

نکات تربیتی امام علی(ع) در نامه به فرزندش (امام حسن(ع))

علی(ع) نامه ای دارد به فرزندش امام حسن مجتبی(ع) که در واقع باید گفت تعلیمی است برای جامعه اسلامی که چگونه با جوانان خویش رفتار نمایند و در تربیت آن ها از چه اهرم هایی استفاده نکنند. نامه حضرت چنین آغاز می شود «از پدر فانی، اعتراف دارنده به گذشت زمان، مسکن گزیده در جایگاه گذشتگان و کوچ کننده فردا به فرزندى آرزومند چیزى که به دست نمى آید... و تو را دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان منى، آن گونه که اگر آسیبی به تو رسید به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید زندگى مرا گرفته است، پس کار تو را کار خود شمردم و نامه ای بر تو نوشتم، تا تو را در سختی های زندگى رهنمون باشد، حال من زنده باشم یا نباشم.»

آن گاه نکاتی را تذکر می دهد به این شرح :

– پدر قبل از دیگران دل جوانش را فتح کند.

در این دوران جوان سخت حساس است ممکن است هواهای نفسانی و دزدان دل و عاطفه زودتر از پدر دل او را به دست آورد و او را برای خویش تربیت کند، لذا پدر و یا معلمان و هادیان قبل از همه باید این سنگر مهم را فتح نماید، علی(ع) به همین مطلب بعد از مقدمه و نکاتی اشاره دارد می فرماید:

« ای بنی انی لما رایتنی قد بلغت سنّاً و رأیتنی ازداد وهناً، بادرْت بوصیتی الیک و اوردت خصالاً منها قبل ان یعجل بی اجلی...؛ پسر! هنگامی که دیدم سالیانی از من گذشت و توانایی رو به کاهش رفت به نوشتن سفارشم برای تو شتاب کردم و ارزش های اخلاقی را برای تو برشمردم پیش از آن که اجل فرا رسد... و پیش از آن که خواهش ها و دگرگونی های دنیا به تو هجوم آورند و پذیرش و اطاعت مشکل گردد: «و انما قلب الحدث کالارض الخالیة ما القی فیها من شی ء قبلته فبادرتک قبل ان یقسو قلبک و یشغل لبک...؛ زیرا قلب (نوجوان) و جوان چونان زمین نکاشته است هرچه در آن پاشیده شود می پذیرد، پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد...»

و رأیت حیث عنانی من امرک ما یعنى الوالد الشفیق و اجمعت علیه من ادبک ان یکون ذلک و انت مقبل العمر و مفتبل الذهر ذونیةً سلیمةً و نفسی صافیةً؛(۴۰) و آن گونه که پدری مهربان نیکی ها را برای فرزندش می پسندد، من نیز بر آن شدم تو را با خوبی ها تربیت کنم، زیرا در آغاز زندگى قرار داری، تازه به روزگار روی آورده ای، نیتى سالم و روحى با صفا داری.

– بیان احکام حلال و حرام

قبلاً اشاره شد از مهم ترین وظائف پدر در دوران هفت سالگی دوم تعلیم قرآن بود و اما در دوره هفت سال سوم و دوران نوجوان و جوانی فراگیری قرآن با تفسیر آن و احکام حلال و حرام آن است. امام صادق(ع) فرمود: « به فرزندان خود آموزش مذهبی بدهید و پیش از آن که منحرفین آنان را به انحراف عقیدتی بکشانند، به داد آن ها برسید». (41)

و علی(ع) خطاب به حسنش (ع) فرمود: «و ان ابتدئک بتعلیم کتاب الله عزّو جلّ و تأویله و شرائع الاسلام و احکامه و حلاله و حرامه...؛ پس در آغاز تربیت تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات، به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام، به تو تعلیم دهم به چیز دیگر نپردازم» در بخش دیگر فرمود: پسر! بدان آنچه بیشتر از به کارگیری وصیتم دوست دارم «تقوى الله و الاقتصار على ما فرضه الله ؛ ترس از خدا و انجام واجبات است»(42).

–الگو دهی

از امور مهم در تربیت جوانان الگودهی سالم است، در تربیت حرف نفی الگوی ناسالم کافی نیست بلکه الگوهای سالم نیز باید معرفی شوند، علی(ع) در این باره می فرماید: «والاخذبما مضی علیه الاولون من آبائک و الصالحون من اهل بیتک، فانهم لم یدعوا ان نظروا...؛ و پیمودن راهی است که پدران و صالحان خاندانت پیموده اند، زیرا آنان آنگونه که تو در

امور خویشتن نظر می کنی در امور خویشتن نظر داشتند و همانگونه که تو درباره خویشتن می اندیشی، نسبت به خودشان می اندیشند و تلاش آنان در این بود که آن چه را شناختند انتخاب کنند و بر آنچه تکلیف ندارند روی گردانند و اگر نفس تو از پذیرفتن سرباز زند و خواهد چنانکه آنان دانستند بداند، پس تلاش کن تا در خواستهات از روی درک و آگاهی باشد. و قبل از پیمودن راه پاکان از خداوند استعانت بجوی

-تحکیم اعتقادات

از مسائل مهم دیگری که باید پدر و مربیان در تربیت فرزند به آن توجه کنند تعلیم و تحکیم اعتقادات است، تقویت اعتقادات هم انسان را رشد و نمو می دهد و هم سدّی است محکم در مقابل شبهات بیگانگان و نگهدارنده انحرافات و انجام گناه، در این بین اعتقاد به توحید و معاد نقش مهم و تعیین کننده دارد، لذا علی(ع) می فرماید: «فتفهّم یا بنیّ وصیتی و اعلم أنّ مالک الموت هو مالک الحیاء و أنّ الخالق هو الممیت و انّ المفنی هو المعیّد...فاعتصم بالذی خلّقک و رزقک و سوّاک ولیکن له تعبّدک و الیه رغبتک و منه شفقتک». پسر! در وصیت من درست بیندیش، بدان که در اختیار دارنده مرگ همان است که زندگی در دست او و پدید آورنده موجودات است، همو می میراند و نابود کننده همان است که دوباره زنده می کند، سپس به قدرتی پناه بر که تو را آفریده، روزی داده و اعتدال در اندام تو آورده است، بندگی تو برای او باشد و تنها اشتیاق او را داشته باش و تنها از او بترس.

و درباره توحید و یگانگی خداوند فرمود: «یا بنیّ أنّه لوکان لربّک شریکٌ لاتتک رسله ولرأیت آثار ملکه و سلطانه و معرفت افعاله و صافته و لکنّه الّه واحدٌ کما وصف نفسه، لایضاده فی ملکه احدٌ ولا یزول ابداً و لم یزل».

پسر! اگر خدا شریکی داشت، پیامبران او نیز به سوی تو می آمدند و آثار قدرتش را می دیدی و کردار و صفاتش را می شناختی، اما خدا، خدایی است یگانه، همانگونه که خود توصیف کرد، هیچ کس در مملکت داری او نزاعی ندارد، نابود شدنی نیست و همواره بوده استدلیل فوق ساده ترین و روشن ترین دلیل برای اثبات وحدانیت خداوند است که نوجوان جوان به سادگی آن را می فهمد.

-تشویق به عمل و بندگی

لازمه خداشناسی و قیامت باوری این است که انسان مطیع خدا و مشتاق بندگی او باشد و این امر باید از نوجوانی و جوانی آغاز شود و انسان بر آن تربیت یابد. علی(ع) در این باره می فرماید: «فاذا عرفت ذلک فافعل کما ینبغی لمثلک ان یفعله فی صغر خطرّه و قلّة مقدرته...». حال که این حقیقت را دریافتی (و خدا و قیامت را شناختی) در عمل بکوش، آن چنان که همانند تو سزاوار است بکوشد که منزلت آن اندک و توانایی اش ضعیف و ناتوانی اش بسیار و اطاعت خدا را مشتاق و از عذابش ترسان و از خشم او گریزان است زیرا خدا را جز به نیکوکاری فرمان نداده و جز از زشتی ها نهی نفرموده است.

-ساده بیان کردن مسائل

در تربیت جوان تلاش شود مسائل پیچیده و دور از حس با بیان مثالهای ساده و روشن به آنها منتقل شود و کاملاً به آنها تفهیم شود، علی(ع) به همین مسأله اشاره دارد در ادامه نامه، که می فرماید: «یا بنیّ انّی قد أنبأتک عن الدنیا و حالها و زوالها و انتقالها و أنبأتک عن الآخرة و ما أعدّ لاهلها فیها و ضربت لک فیهما الامثال...». ای پسر! من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه برای انسان ها در آن جا فراهم است اطلاع دادم و برای هر دو مثال ها زدم، تا پند پذیری و راه و رسم زندگی بیاموزی، همانا داستان آن کس که دنیا را آموزد، چونان مسافرانی است که در سرمنزلی بی آب و علف و دشوار اقامت دارند و قصد کوچ کردن به سرزمینی را دارند که در آن جا آسایش و رفاه فراهم است پس مشکلات راه را تحمّل می کنند و جدایی دوستان را می پذیرند و سختی سفر و ناگواری غذا را با جان و دل قبول می کنند، تا به جایگاه وسیع و منزلگاه آمن و با آرامش قدم بگذارند و از تمام سختی های طول سفر احساس ناراحتی ندارند و هزینه های مصرف شده را غرامت نمی شمارند و هیچ چیز برای آنان دوست داشتنی نیست جز آن که به منزل امن و محل آرامش برسند. و اما داستان دنیا پرستان همانند گروهی است که از

جایگاهی پر از نعمت می خواهند به سرزمین خشک و بی آب و علف کوچ کنند، پس در نظر آنان چیزی ناراحت کننده تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می شوند و ناراحتی را باید تحمل کنند

-تعلیم مکارم اخلاق

پدر فقط مسئول تأمین نفقه فرزند که مربوط به خلق و جسم او می شود نیست بلکه در قبال خلق و اخلاق و تربیت صحیح باطن نیز مسئولیت دارد.

از دیدگاه امیرمؤمنان این مسئولیت در قبال کل خانواده مطرح است نه فقط فرزندان لذا به کمیل بن زیاد نخی چنین توصیه فرمود: «یا کمیل مرا اهلک ان یروحو فی کسب المکارم و یدلجوا فی حاجه من هو نائم فوالذی وسع سمعه الاصوات، ما من احد اودع قلباً سروراً الا و خلق الله له من ذلک السرور لطفاً...».

ای کمیل! خانواده ات را فرمان ده که روزها در به دست آوردن بزرگواری و مکارم اخلاق و شب ها در رفع نیاز خفتگان بکوشند، سوگند به خدایی که تمام صداها را می شنود، هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد که به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزدايد چنان که شتر غریبه را از چراگاه دور سازند، اما فرزند خویش را به این اوصاف کریمه دعوت و سفارش نموده تا بخوبی آن اوصاف را دارا شده و بر آن تربیت یابد:

- انصاف و دیگران را چون خود پنداشتن

«یا بنی اجعل نفسک میزناً فیما بینک و بین غیرک فاحبب لغيرک ما تحب لنفسک و اگره له ماتکره لها و لا تظلم کما لا تحب ان تظلم و احسن کما تحب ان یحسن الیک...». ای پسر! نفس خود را میزان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست می داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی پسندی، برای دیگران مپسند. ستم روا مدار آنگونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکو کار باش آنگونه که دوست داری به تو نیکی کنند و آنچه را برای دیگران زشت می داری برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می پسندی.

میزان قرار دادن خود و این که انسان آنچه برای خود ناروا می داند برای دیگران نیز ناروا بداند و آنچه برای خویش می پسندد برای دیگران بپسندد، از صفات مهم اخلاقی است که جلو خیلی از گناهان را گرفته و عامل زنده شدن برخی اوصاف دیگر نیز می شود، اگر این صفت در فردی باشد از دیگران غیبت نمی کند، به دیگران تهمت نمی زند، آبروی دیگران را نمی برد، دیگران را تحقیر نمی کند، مردم آزاری نمی کند و... چرا که هیچ یک از آن ها را برای خود دوست نمی دارد و اوصافی چون عدالت ورزی، احسان، خدمتگذاری، انفاق و...نسبت به دیگران در او زنده می شود چون دوست می دارد این اوصاف در رابطه با او اعمال شود.

- هر حرفی نگفتن

این پدر است که به فرزندان چگونه حرف زدن و درست حرف زدن و با اندیشه سخن گفتن را باید بیاموزد به همین جهت امیر بیان فرمود: «و لا تقل مالا تعلم و ان قل ما تعلم و لا تقل مالا تحب ان یقال لک». پسر! آنچه را نمی دانی نگو (و در امری که تخصص نداری اظهار نظر نکن) گرچه آنچه را می دانی اندک است، آنچه را دوست نداری به تو نسبت دهند، درباره دیگران مگو.

- دوری از خود بزرگ بینی و حرص

از آفت بزرگی که دامن انسان را می گیرد، عجب و غرور و تکبر و خود بزرگ بینی است، که این ها از نوجوانی و جوانی باید جلوگیری شده و آنچه به وجود آمده از بین برود بهمین جهت علی(ع) فرمود: «و اعلم ان الاعجاب ضد الصواب و آفة الالباب فاسع فی کدحک و لاتکن خازناً لغيرک و اذا انت هدیت لقصدک فکن اخشع ماتکون لرّک». (پسر! بدان که خود بزرگ بینی و غرور، مخالف راستی و آفت عقل است، نهایت کوشش را در زندگی داشته باش و در فکر ذخیره سازی برای دیگران مباش، آنگاه که به راه راست هدایت شدی، در برابر پروردگارت از هر فروتنی خاضع تر باش.

- حفظ کرامت انسانی

از مسائلی که سخت تربیت ها را تخریب می کند و خطر ساز است برای جوان از دست دادن شخصیت و کرامت انسانی است، اگر در انسانی این حالت پیدا شود که احساس شخصیت نکند و کرامت خود را از دست رفته بداند به هر کار خطرناکی دست خواهد زد، علی(ع) به خوبی به این مسئله توجه دارد لذا در تربیت فرزندش سخت به آن سفارش نموده است و فرموده است: «و اکرم نفسک عن کلّ دنیّه و ان سافتک الی الرّغائب، فانّک لن تعتاض بما تبذل من نفسک عوضاً». (۴۹) نفس خود را از هرگونه پستی بازدار، هرچند تو را به اهدافت رساند، زیرا نمی توانی به اندازه آبرویی که وسرمایه عمری که مصرف نموده ای می دهی بهایی به دست آوری.

- حفظ حرّیت انسانی

حفظ کرامت انسانی بدون حرّیت و آزاد بودن از بندگی غیر خدا میسر نیست یک پدر دل سوز و یک مربی همه جانبه نگر در جهت حفظ کرامت انسانی حرّیت و آزاد منشی و آزادگی را در روحیه تربیت شده خویش تقویت می کند، به این جهت علی(ع) می فرماید: «و لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً». برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید.